

شوک برقی در راه اقتصاد؟

دولت با ابلاغ آیین نامه خروج از بازار برق، در حال تبدیل برق از خدمت عمومی به کالای بورسی است. اما گزارش مرکز تحقیقات اسلامی مجلس نشان می دهد این اقدام، اگر بدون پیش شرط های لازم اجرا شود به جای رفع ناترازی می تواند فشار تورمی تازه ای بر تولیدکنندگان و خانوارها وارد کند

محمد حقگو

economice@khorasannews.com



از ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵، صنعت برق ایران وارد فاز جدیدی شده که زیر سایه بند «ب» ماده ۴۳ قانون برنامه هفتم ترسیم شده است. طبق این بند، سهم بورس انرژی در تأمین برق به تدریج بالا می رود. این رخداد، نه یک تغییر فنی، بلکه تحولی بزرگ در شیوه توزیع و قیمت گذاری انرژی در کشور است. در این مسیر، «بورس انرژی» به کانال اصلی تأمین برق برای بخش بزرگی از مصرف کنندگان تبدیل خواهد شد. همزمان مرکز تحقیقات اسلامی مجلس نیز در گزارشی تفصیلی ابعاد اقتصادی و نهادی این مصوبه را بررسی کرده است. بر این اساس، در حالی که مدافعان این رویکرد از افزایش شفافیت و کارایی سخن می گویند، تحلیلگران اقتصادی نگران اند که اجرای شتاب زده این مصوبه، بدون توجه به واقعیت های اقتصادی ایران مانند تورم مزمن، ناترازی تولید و فرسودگی شبکه، تبعاتی غیر منتظره و فراتر از هدف اولیه به دنبال داشته باشد. برق، یک کالای عادی نیست، بلکه زیرساختی حیاتی برای سلامت جامعه، تولید و اشتغال است. اگر تأمین آن صرفاً بر اساس منطق «توان پرداخت» و سازوکار بازار آزاد صورت گیرد، خطر تبدیل شدن آن از «حق دسترسی عمومی» به «امتیاز طبقاتی» بسیار جدی است.

گسترش اجبار به خرید برق از بورس

یکی از نکات کلیدی گزارش این است که مصوبه فقط بنگاه های بزرگ را هدف نمی گیرد. بر اساس آیین نامه، در گام نخست مشترکان با قدرت قراردادی ۱۵۰ کیلووات و بالاتر باید برق خود را از بورس انرژی یا شرکت های خرده فروش مجاز تأمین کنند؛ اما این پایان ماجرا نیست. این حکم تنها یک سال بعد به مشترکان ۳۰ کیلوواتی نیز تسری می یابد. به این ترتیب، شمار مشترکانی که ناچار می شوند وارد دلتا طمات بازار برق شوند، از حدود ۸۵۰۰ به نزدیک ۸۰۰ هزار مشترک افزایش می یابد.

این یعنی بازار برق، به جای آن که در حاشیه بماند، به تدریج به هسته تأمین انرژی در بخش بزرگی از اقتصاد نفوذ می کند. اما خانوارها نیز از این روند مستثنا نخواهند ماند. طبق گزارش، متقاضیان جدید انشعاب، کسانی که بخواهند ظرفیت مصرف خود را افزایش دهند و مصرف کنندگان بالاتر از الگوی مصرف، ممکن است به خرید «گواهی ظرفیت» یا تأمین برق از تابلوهای آزاد و سبز ناچار شوند. به بیان ساده، در این مدل، مرز میان مصرف عادی و بازار محور کم کم کمرنگ می شود و هر گونه نیاز فراتر از حداقل های تعیین شده، مستقیماً به نوسانات قیمت در بورس گرمی خورد.

خطر واسطه گری رانتی در غیاب رگولاتور

مصوبه جدید علاوه بر بورس انرژی، پای شرکت های خرده فروش و ابزارهایی مانند «گواهی ظرفیت» را نیز به بازار باز کرده است. این شرکت ها به عنوان واسطه میان تولید و مصرف نهایی عمل می کنند و گواهی ظرفیت، حق استفاده از ظرفیت شبکه را به یک دارایی مالی قابل معامله تبدیل می کند. تحلیلگران هشدار می دهند که در فقدان نهاد تنظیم گر (رگولاتور) قدرتمند و مستقل، این بازار جدید می تواند به بستری برای واسطه گری های سوداگرانه تبدیل شود.

در شرایط ناترازی فیزیکی و کمبود عرضه، این احتمال وجود دارد که دارندگان گواهی های ظرفیت یا شرکت های خرده فروش قدرتمند، با ایجاد کمیابی مصنوعی و سفته بازی، قیمت ها را به طور غیر منطقی افزایش دهند. گزارش تأکید می کند که بدون وجود یک «نظام ضد انحصار» کارآمد، این مدل نه تنها شفافیت را به همراه نخواهد داشت، بلکه منجر به شکل گیری انحصارات جدیدی در بخش توزیع انرژی خواهد شد. به عبارت دیگر در چنین وضعی، به جای شکل گیری یک بازار رقابتی، امکان بروز رانت در لایه های واسطه گری و توزیع افزایش می یابد. حالتی که در آن سود حاصل از معاملات نصیب واسطه ها می شود و هزینه آن بر دوش تولیدکننده و مصرف کننده نهایی می افتد.

بورس در مسیر تثبیت کانال ۵ میلیونی

شاخص کل پس از ۴ روز رشد متوالی دوباره به کانال ۵ میلیون واحدی بازگشت، اما افزایش عرضه ها در پایان هفته نشان داد ماندگاری بازار در این سطح همچنان به کاهش احتیاط معامله گران وابسته است

تقاضا به بازار سهام حکایت داشت. شاخص کل در ابتدای هفته بارش دمایم وارد مسیر صعودی شد، در ادامه با جهشی قابل توجه کانال ۵ میلیون واحدی را بازپس گرفت و در روزهای بعد نیز این مسیر افزایشی را ادامه داد. همزمان، رشد شاخص هم وزن و ورود پول حقیقی نشان داد که فضای مثبت بازار تنها به نمادهای بزرگ محدود نبوده و طیف وسیع تری از سهام ادر بر گرفته است.

باین حال، در آخرین روز معاملاتی هفته فشار فروش در نمادهای شاخص ساز افزایش یافت و بازار با عقب نشینی شاخص کل مواجه شد. این چرخش، بیش از هر چیز، نشانه ای از تداوم احتیاط در میان معامله گران و تمایل بخشی از آن ها به شناسایی سود پس از رشد سریع روزهای قبل بود.

سه محرک عبور از مرز ۵ میلیون

نیما میرزایی، کارشناس بازار سرمایه، در گفت و گو

چه سخت است فراق کسی که

یادش همیشه در کنار ماست

اما خودش نیست.

دهمین سالگرد زنده یاد

مهندس عباس امینیان طوسی

را گرامی می داریم .

او جاودانه شد

و ما او را در قلبمان جاودانه جای داده ایم.



همسر تکی

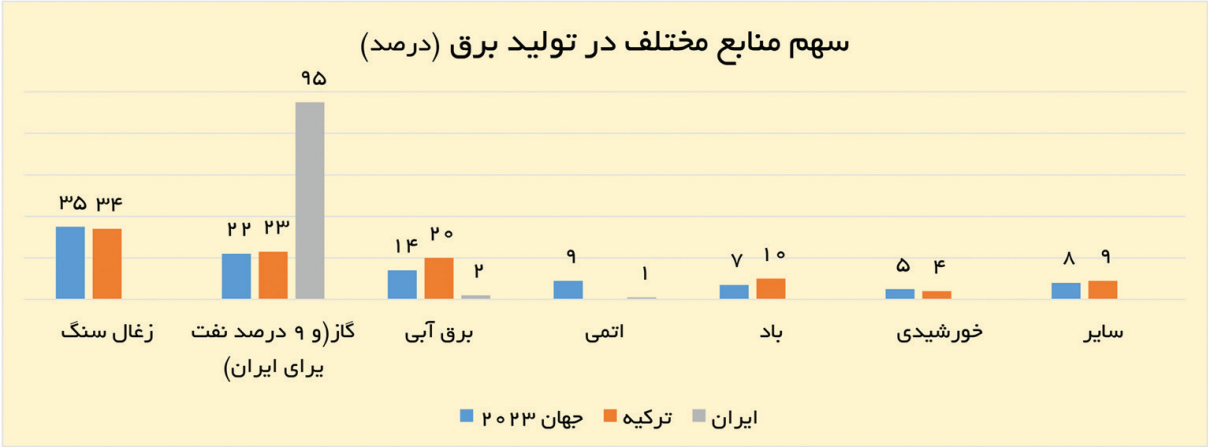
ماهانه است و ستون های اقتصاد کلان را تحت تأثیر قرار می دهد. صنایع معدنی، فولادی، پتروشیمی و کشاورزی ایران سال ها برپایه انرژی رقابتی (ارزان) شکل گرفته اند. با جهش قیمت برق در بورس، حاشیه سود این صنایع کاهش یافته و هزینه تمام شده تولید بالا می رود. این فشار به دو شکل به کل جامعه سرایت می کند:

۱. تورم و فشار معیشتی: وقتی هزینه برق یک واحد تولیدی یا خدماتی بالا می رود، این هزینه در قیمت نهایی کالا و خدمات تخلیه می شود. در شرایطی که تورم بخش آب، برق و سوخت در سال های اخیر کوردشکنی کرده است، آزادسازی قیمت برق می تواند ماشه یک دور جدید از گرانی ها را بکشد.

۲. تضعیف رقابت صادراتی: کاهش توان رقابتی صنایع در بازارهای جهانی، به معنای کاهش درآمدهای ارزی و تضعیف تر از تجاری کشور است. این یعنی سیاست آزادسازی برق ممکن است به جای حل مسئله ناترازی، آن را به فشار تورمی، افت حاشیه سود تولید و تضعیف رقابت پذیری اقتصاد منتقل کند.

بازار برق بدون پیش شرط کار نمی کند
گزارش مرکز تحقیقات اسلامی مجلس تأکید می کند که برق، کالایی نیست که بتوان آن را مانند گندم یا خودرو ذخیره کرد. تولید و مصرف آن باید در هر لحظه تر از باشد. به همین دلیل، آزادسازی بازار آن مستلزم پیش شرط هایی است که هنوز در اقتصاد ایران فراهم نیست. این پیش شرط ها عبارت اند از:

■ تأسیس نهاد تنظیم گر (رگولاتور) مستقل؛ برای جلوگیری از تبانی و دستکاری قیمت.



■ زیر ساخت اندازه گیری هوشمند؛ تجهیز تمام مشترکان به کنتورهای دقیق برای مدیریت لحظه ای.
■ شفافیت کامل اطلاعاتی؛ دسترسی برابر همگان به آمار تولید، تقاضا و قیمت ها.
■ شبکه تأمین اجتماعی کارآمد؛ برای حمایت از اقشار آسیب پذیر در برابر «فقر انرژی».

در غیاب این الزامات، اجرای شتاب زن ده مصوبه می تواند به بی ثباتی در شبکه و شوک های قیمتی غیر قابل کنترل منجر شود.

درس کالیفرنیا؛ وقتی بازار ناترازی را به بحران تبدیل می کند
تجربه جهانی کالیفرنیا در سال های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱، آینه تمام نمای خطری است که بازارهای برق فاقد نظارت را تهدید می کند. در آن مقطع، کالیفرنیا با هدف کاهش قیمت ها، تولید را به بازار سپرد؛ اما به دلیل طراحی ناقص و رفتارهای فرصت طلبانه معامله گرانی چون شرکت «انرون»، قیمت های عمده فروشی در کمتر از یک سال ۵۰۰ درصد جهش کرد.

تفاوت کالیفرنیا با مدل پیشنهادی در ایران این است که آن جا سقف قیمت برای مصرف کننده نهایی وجود داشت که منجر به ورشکستگی شرکت های توزیع شد؛ اما در ایران بازار محور شدن قیمت برق، دست کم برای بخشی از مصارف و مشترکان مشمول، این خطر وجود دارد که شوک های قیمتی مستقیم تر به هزینه تولید و معیشت منتقل شود. کالیفرنیا ثابت کرد که در زمان کمبود انرژی، بازار آزاد به تنهایی نمی تواند عدالت را تضمین کند و بدون نظارت قدرتمند، میدان به دست کسانی می افتد که از

«کمیابی» برای کسب سودهای نجومی بهره می برند.

راهکار؛ تنظیم گری هوشمند به جای خروج مطلق
طبق گزارش مذکور، هدف از سیاست گذاری نباید صرفاً «خروج دولت از میدان» باشد، بلکه دولت باید به جای تصدی، به یک «تنظیم گر هوشمند» تبدیل شود. راهکار مطلوب، نه بازگشت به تصدی گری مطلق دولتی و نه رهاسازی کامل به منطق بازار آزاد است. دولت باید با ابزارهایی مانند تعرفه تصاعدی و یارانه متقاطع، به گونه ای قیمت گذاری کند که بار حمایت بیشتر بر دوش مشترکان پر مصرف و بر خوردار قرار گیرد، نه خانوارهای آسیب پذیر. همزمان، فشار برای سرمایه گذاری واقعی (و نه فقط سوداگری در بورس) فراهم آورد. اگر دولت بدون نوسازی شبکه و بدون ایجاد نظام حمایتی، تنها با هدف کاهش بار مالی خود از بازار برق خارج شود، شوک حاصل از آن نه تنها صنعت، بلکه به کل اقتصاد فشار وارد خواهد کرد.

ابهام حقوقی در مسیر آزادسازی برق
در نهایت، باید به یک ابهام بنیادین در این مسیر نیز اشاره کرد. مصوبه دولت در ظاهر اجرای بند «ب» ماده ۴۳ قانون برنامه هفتم است؛ اما گزارش مرکز تحقیقات اسلامی مجلس، این روند را در تلافی با سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی می بیند. ابهام این جاست: آیا می توان برق را به عنوان یک زیرساخت حیاتی و مرتبط با امنیت ملی، صرفاً در قالب منطق بازار تفسیر کرد؟

سیاست های کلی اصل ۴۴ بر افزایش رقابت تأکید دارند، اما همزمان دولت را مسئول تنظیم گری و تضمین عدالت می دانند. پرسش اساسی این است: آیا برنامه هفتم مجوزی برای تجاری سازی گسترده برق بدون تکمیل الزامات حمایتی است؟ پاسخ به این پرسش، نه تنها آینده صنعت برق، بلکه نسبت دولت با حقوق عمومی شهروندان را در سال های آتی روشن خواهد کرد. مسئله برق در ایران فقط موضوع تغییر یک شیوه فروش نیست، بلکه آزمونی برای نسبت میان اصلاح اقتصادی، عدالت اجتماعی و مسئولیت حاکمیتی در یکی از حیاتی ترین بخش های زیرساختی کشور است.



نقدینگی میان بازارهای موازی نشان می دهد این بازگشت هنوز بر بستری کاملاً ثبات استوار نشده است. بر این اساس، محتمل ترین سناریو برای هفته پیش رو، شروعی متعادل با همراه با افزایش عرضه و سپس تلاش بازار برای حفظ مسیر صعودی خواهد بود؛ مسیری که تداوم آن بیش از هر عامل دیگر به ثبات فضای سیاسی و کاهش نااطمینانی ها وابسته است.

ادامه خواهد داشت.

هفته آینده؛ استراحت یا ادامه رشد؟

چشم انداز بازار در هفته دوم داد، در مجموع مثبت ارزیابی می شود، اما به نظر می رسد بورس در ابتدای هفته با افزایش نسبی عرضه ها روبه رو شود. بخشی از این فشار فروش می تواند ناشی از شناسایی سود معامله گران کوتاه مدت باشد؛ اتفاقی که پس از رشد قابل توجه روزهای اخیر دور از انتظار نیست. باین حال، اگر تنش سیاسی یا نظامی تازه ای به بازار تحمیل نشود، این اصلاح می تواند در حد یک وقفه کوتاه باقی بماند و بازار بار دیگر به مسیر صعودی بازگردد. از این منظر، متغیر اصلی برای ادامه رشد

دوازدهمین سالگرد درگذشت

همسر و پدر عزیزمان

شادروان مهدی گودرز

یاد مهربانی های بی دریغ و انسانیت

کم نظیرش همیشه در قلبمان باقیست.

اندوهمان بی پایان و خاطرمان پراز عشق اوست.

روحش شاد و یادش گرامی

خانواده گودرز



۱۹۸۹۰۲



بیست و سومین سالگرد درگذشت

همسر و پدر عزیزمان

شادروان محمد محمدزاده

را گرامی می داریم.

همسر و فرزندان

۱۳۹۷۰۹